

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

۱. م. شیری و یادداشت پورتال

۱۶ اگست ۲۰۱۸

نگاهی به تفاهم‌نامه تعیین وضعیت حقوقی دریای * خزر

متعاقب نابودسازی سوسیالیسم، تجزیه اتحاد شوروی و حذف آن از نقشه سیاسی جهان و اعطای "استقلال" به ۱۵ جمهوری عضو آن توسط امپریالیسم و ارتجاع جهانی و صهیونیسم به اصطلاح بین‌الملل و عوامل داخلی آنها بفرماندهی باند گارباچوف-یلتسین-یاکولیف، در مجموع قوای "اتحاد مقدس" برغم رأی نزدیک به ۸۰ درصدی خلقهای اتحاد شوروی در همه‌پرسی ۱۷ مارس سال ۱۹۹۱ مبنی بر حفظ سوسیالیسم و اتحاد شوروی، تقسیم دریای خزر بین چهار جمهوری ساحلی خزر -آذربایجان، ترکمنستان، روسیه و قزاقستان و تعیین حدود و سهم هر یک از وارثان شوروی از این دریا به یکی معضلات جدی تبدیل گردید. البته، اگر چه ایران نیز یکی از کشورهای ساحلی دریای خزر می‌باشد، اما این تقسیم‌بندی هیچ ربطی به ایران نداشت. زیرا، سهم ایران مطابق معاهدات سال ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین ایران و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی مشخص شده بود.

معضل تقسیم سهم اتحاد شوروی از دریای خزر بین چهار جمهوری وارث آن زمانی بغرنج‌تر شد که امریکا دریای خزر را جزو منابع حیاتی راهبردی خود اعلام کرد و مسئله تعیین مجدد وضعیت حقوقی این دریاچه محصور در میان پنج کشور را پیش کشید. از اینجا به بعد -از سال ۱۹۹۶ بالاجبار پای ایران به میان آمد.

هدف اصلی امریکا و متحدان ناتویی آن از تعیین مجدد وضعیت حقوقی دریای خزر این بود که بتواند با اعمال فشار به برخی جمهوریها، دریاچه خزر را دریای آزاد تعریف نموده و موازین مقررات و معاهدات بین‌المللی سالهای ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ دریانوردی و دریاها را به دریاچه خزر تسری دهند. در این حالت، امریکا و یا هر کشور دیگر جهان می‌توانست در "دریای" خزر به اکتشافات مشغول شده، ماهی‌گیری نماید و نیروی نظامی داشته باشد و کشورهای ساحلی نیز موظف می‌شدند شرایط ورود آنها را تأمین و تسهیل نمایند.

بر این اساس، معضل تعیین مجدد وضعیت حقوقی دریای خزر و تقسیم آن از سال ۱۹۹۶ بموضوع مذاکرات منتظم پنج کشور ساحلی آن تبدیل گردید و جلسات کار گروه آنها بطور دوره‌ای در همه جمهوری‌ها برگزار می‌شد تا این که بدنبال نشست وزرای خارجه این جمهوریها در روز ۲۰ مرداد ماه ۱۳۹۷ در شهر آک تائو قزاقستان، روز بعد، ۲۱ مرداد، بالاخره، رؤسای جمهور پنج کشور ساحلی سند تعیین وضعیت حقوقی دریای خزر، بزرگترین دریاچه جهان را بر اساس واقعیت این دریاچه محصور در خشکی و خلاف خواست و نیت امریکا و متحدان ناتویی آن امضاء کردند.

امضای این سند شکست دیگری به سریال شکست‌های پیاپی سیاست‌های شریانه آمریکا و همپینانش افزود و خشم و کینه‌توزی همه آنها، از جمله ایرانیان امریکایی‌الاصل مانند سلطنت‌طلبان، مشروطه‌خواهان، پان ایرانیست‌ها، ناسیونال شوونیست‌ها و همه اپوزیسیون پنتاگونی را که مزدوری آنها به اجانب و خیانت‌شان به ایران و ایرانی بیش از آن محرز است که نیازمند بررسی و کندوکاو جداگانه باشد، برانگیخت.

در پی امضای سند دایر بر تعیین وضعیت حقوقی دریای خزر، آمریکا و امارات مگس‌وار به دور شیرینی ایران و روسیه هجوم آورده، با وز-وزهای مودیان و گوش‌آزارشان تهراتی بافتند، که گویا روسیه سهم ۵۰ درصدی ایران از دریای خزر را کاهش داده است. گذشته از دلایل روشن حملات تبلیغاتی شریانه امپریالیسم آمریکا و امارات علیه ایران و روسیه از میان پنج کشور ساحلی دریای خزر، بویژه در رابطه با مسئله تعیین وضعیت حقوقی ای دریایچه و تقسیم آن، هیچ عقل سالمی نمی‌تواند بپذیرد که ۵۰ درصد از سطح و قعر بزرگترین دریایچه جهان سهم ایران بود یا باید باشد. ادعاهای خلاف واقع آمریکا و همراهانش در واقع مصداق روشن این بیان شیخ اجل سعدی است: "این دغل دوستان که می‌بینی، مگسانند گرد شیرینی!"

در همین رابطه، من یازده سال پیش، نشست دوره‌ای پنج جمهوری ساحلی دریای خزر در مهر ماه سال ۱۳۸۶ در تهران را طی مقاله‌ای تحت عنوان "سوز و گدازهای آمریکا پیرامون نشست تهران" مورد تحلیل و بررسی قرار داده، دغلقاری‌های گنده مگس آمریکا و همراهانش را بروشنی ثابت کردم. ولذا، با عطف توجه به اینکه نه تنها هیچ سند غیرواقعی در رابطه با مسئله تعیین وضعیت حقوقی دریایچه خزر و تقسیم آن بین پنج جمهوری ساحلی امضاء نشده، بلکه، این معضل تصنعی مطابق موازین و مقررات بین‌المللی حل شده است، همان مقاله را به انضمام توضیحات بالا مجدداً تقدیم علاقمندان می‌نمایم. - مقاله ویراستاری نشده است - پورتال

سوز و گدازهای آمریکا پیرامون نشست تهران

۱. م. شیری

۱۳۸۶/۸/۲۶

۲۴ مهر ماه سال ۱۳۸۶، دومین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریایچه خزر، برای تعیین رژیم حقوقی این دریایچه، در تهران تشکیل گردید.

دریایچه خزر، بزرگترین قطعه آبی بسته جهان، که به دلیل وسعت آن، به اشتباه دریا نیز نامیده می‌شود، ۲۶ متر پائین‌تر از سطح آبهای آزاد، در محدوده پنج کشور آذربایجان، ایران، ترکمنستان، روسیه و قزاقستان واقع است و هیچ پیوندی با آبهای آزاد جهان ندارد. تنها راه ارتباطی آن به آبهای آزاد، کانال ولگا-دُن واقع در خاک روسیه می‌باشد. این دریایچه، دارای منابع عظیم نفت و گاز بوده و سرشار از گونه‌های منحصر بفرد جانداران دریائی و بویژه خاویار می‌باشد.

دولت آمریکا بلافاصله بعد از تخریب سوسیالیسم و تجزیه اتحاد شوروی، دریایچه خزر را دریا و جزء منافع حیاتی استراتژیک خود اعلام کرد و از آن پس، "کشورهای جدید" منطقه را بی‌محابا به جولانگاه خود تبدیل نمود. بدین سان، باعث بروز اختلافات و مشکلاتی شد که، طی مدت بیش از یک و نیم دهه اخیر، دولتهای منطقه قادر به حل آن نبوده‌اند. تحت فشار آمریکا، کشورهای تازه "استقلال" یافته منطقه، علیرغم اعلام پایبندی خود به معاهدات بین‌المللی اتحاد شوروی در اجلاس "آلماتا" در سال ۱۳۷۱ مجبور شدند، قراردادهای سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین ایران و اتحاد شوروی در باره رژیم حقوقی دریایچه خزر را نادیده گرفته و آن را مجدداً مورد بررسی قرار داده و تعیین نمایند.

مسئله رژیم حقوقی دریای خزر که بعد از تجزیه اتحاد شوروی، به یکی از معضلات پیچیده، به عبارت صحیح‌تر، پیچانده شده و ادامهدار منطقه تبدیل گردید، از یک نکته بسیار ظریف که امریکا و جنتمن‌های دموکرات غربی مطرح ساختند، آغاز گردید و آن اینکه، خزر، دریاست، نه دریاچه! اصرار آنها برای دریا نامیدن خزر به این منظور بود، که بر اساس مقررات و قوانین بین‌المللی دریانوردی و دریاها، مندرج در معاهدات بین‌المللی سالهای ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲، همه کشورهای جهان مجازند در "دریای" خزر به اکتشافات مشغول شده، ماهی‌گیری نمایند و نیروی نظامی داشته باشند و کشورهای حاشیه نیز موظفند راه ورود آنها را باز گذارند، در غیر این صورت، با شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌ها و تهدیدات آن، و در نهایت با "جامعه جهانی"، یعنی با امریکا مواجه خواهند شد. امریکا برای دستیابی به این هدف، قایق‌های توپدار خود را تحت عنوان هدیه به آذربایجان، به آبهای خزر وارد ساخت. کشتی تحقیقاتی اجاره‌ای انگلیس بمنظور جستجوی منابع نفتی وارد آبهای ایران شد، اما با تیراندازی نیروهای ایرانی از آبهای سرزمینی این کشور خارج شد و کار خود را متوقف کرد. کنسرسیوم بین‌المللی نفت که، در پی انعقاد قرارداد سال ۱۹۹۵ شرکت‌های بزرگ نفتی با آذربایجان، موسوم به قرارداد "قرن"، تشکیل گردید، معادن نفت و گاز "گوشلی"، غنی‌ترین معادن نفت خزر را که به ادعای جمهوری ترکمنستان، در آبهای سرزمینی این جمهوری واقع است، مورد بهره‌برداری قرار داد و...

بدین ترتیب، تعیین رژیم حقوق دریای خزر تا کنون، در نتیجه سیاست‌های سلطه‌جویانه و توسعه‌طلبانه امریکا به معطل تبدیل گردیده است. کشورهای ساحلی نیز هر یک بنابه مصالح و منافع خود، پیشنهادهای مختلفی را مطرح می‌کردند. بالاخره، در سال ۲۰۰۳، سه جمهوری آذربایجان، قزاقستان و روسیه، ۶۴ درصد دریای خزر را بین خود به ترتیب با نسبت ۱۷، ۲۸ و ۱۹ درصد تقسیم کردند و تقسیم ۳۴ درصد باقی‌مانده را به عنوان سهم ایران و ترکمنستان، به عهده آنها واگذار نمودند. با این وجود، ایران به تقسیم برابر بستر دریای خزر بین پنج کشور ساحلی اصرار می‌ورزد. نظام حقوقی دریای خزر بین اتحاد شوروی و ایران، بر مبنای قراردادهای سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین دو کشور بر مبنای مدیریت مشترک در سطح، یعنی حق کشتیرانی و ماهیگیری برابرحقوق در آبهای دریای خزر و قعر آن بر اساس خط مستقیم فرضی از نقطه مرزی آستارا تا روستای حسنقلی یا حسنلو در ترکمنستان تعیین شده بود و آن، در حدود ۱۱ درصد قعر را شامل می‌شد. بدین ترتیب، هیاهوی تبلیغاتی امریکا پیرامون اینکه در دوره شوروی ۵۰ درصد خزر به ایران تعلق داشت و در نشست تهران برای تعیین رژیم حقوقی جدید، سهم ایران به ۱۳ درصد کاهش می‌یابد، چیزی بیش از خزعبلات و دروغ‌بافی‌های سنتی امریکا نیست. علاوه بر این، اگر نقشه دریای خزر را در نظر بگیریم، دروغ‌بافی‌های بی‌خردانه سیاست‌گذاران امریکا و عمه -اکره‌هایشان مبنی بر اینکه ۵۰ درصد خزر در دوره شوروی سهم ایران بود، بروشنی آشکار می‌شود. چرا که اولاً -سهم ایران از دریای خزر در دوره حیات اتحاد شوروی همانطور که گفته شد، ۵۰ درصد نبود، ثانیاً -اگر امروز دریای خزر با خط فرضی شرقی - غربی به دو قسمت برابر تقسیم شود، در این صورت، تمام سواحل آذربایجان و ترکمنستان باید به تملک ایران درآید. و یا اگر با خط فرضی شمالی - جنوبی تقسیم گردد، در این حالت، از آن هم مضحک‌تر خواهد بود. زیرا، در صورت مالکیت ایران بر بخش شرقی، جمهوری‌های ترکمنستان و قزاقستان و در صورت تملک بر بخش غربی، جمهوری‌های روسیه و آذربایجان هیچ سهمی از دریای خزر نخواهند برد.

بنا بر این، تمام سوز و گدازهای ریاکارانه امریکا و دست پروردگانش پیرامون نشست تهران، پخش شایعات ناشیانه مبنی بر توطئه تروریستی بر علیه ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در تهران و اشک تمساحی که گویا بخاطر

پایمال شدن حق ایران می‌ریزند، همه و همه، ناشی از آن است که تا کنون امپریالیسم امریکا نتوانسته) و دیگر نمی‌تواند (به نظامی کردن دریاچه خزر موفق شود و تسلط خود را بر ثروتهای آن تثبیت و تحکیم نماید.

۲۴ مرداد - اسد ۱۳۹۷ - مقاله ویراستاری نشده است - پورتال

یادداشت:

از آنجائی که در اصطلاحات جغرافیائی در افغانستان ما دریا را معادل رودخانه دانسته از همین جهت در تدریس جغرافیه در افغانستان "رود آمو" و "دریای آمو" هر دو مروج بوده، حتا در مورد "دریای کابل"، و سایر دریا های افغانستان، به جز رودخانه های هریرود، خاشرود و فراه رود، همیشه کلمه دریا به کار برده می شود و اصطلاح دریاچه یعنی قطعه آب کوچکی که از تمام جهات توسط خشکه محاط باشد، در فرهنگ جغرافیائی ما موجود نبوده، در عوض چنان قطعه ابی را "جهیل" می نامیم، در ویراستاری این مقاله، دشواری هائی به وجود آمد که امید است، نویسنده مقاله و خوانندگان عزیز پورتال تفاهم شان را از ما دریغ نورزند.

این نکته بر همه کس معلوم است که هدف ما حین ویراستاری، ضدیت با این و یا آن کلمه و مفهوم نیست، بلکه تمام تلاش ما آن است تا مطلبی که تقدیم خوانندگان می گردد، بیشتر قابل استفاده و فهم باشد. از همین رو مفاهیمی را که حین تدریس و آموزش جغرافیه در افغانستان مروج است و معادل آنها را در ایران می نگاریم، تا برای هر دو خواننده، قابل استفاده بگردد:

افغانستان ایران

رودخانه	رودخانه
دریا	رودخانه
جهیل	دریاچه
بحر - اقیانوس	دریا
بحیره	دریا

تا جائی که از روند قضایا و تاریخ نامگذاری مناطق بر می آید این مغالطه کاملاً هدفمندانه از طرف امپریالیسم زمانی به وجود آمد که هر نوع ارتباط بین یک آب با آبهای آزاد- آبهای که یکی با دیگری وصل می باشند مانند اتصال ابحار- را دریا و یا Sea نامیده، اقیانوس را معادل Ocean اعلام داشتند.

در این سیستم نامگذاری قطعات جغرافیائی، که با کمال تأسف دانشمندان و به تبعیت از آنها نویسندگان ایران نیز به دام آنها افتادند، در عمل، آبنا ها، کانال های طبیعی، بحیره ها و خلیج ها نیز حکم "دریا Sea" را پیدا نموده در اکثر مناطق گذشته از امکان پیدایش اختلافات محلی و منطقه ای، امپریالیسم نیز به خود حق مداخله و حتا استقرار نیرو و استفاده از آن آب را ادعا نمود. در کنار بحیره خزر، یکی از معروفترین موارد این وضعیت جغرافیائی که به مثابه یکی از معضلات چین و امریکا به شمار می آید، مناقشه در مورد "بحیره جنوبی چین" است. یعنی سوء استفاده از نامگذاری های غلط جغرافیائی این زمینه را به وجود آورده تا امریکا به خود حق بدهد قطعات آبی را که از قرن ها به نام یک کشوری مانند چین یاد شده و مالکیت انحصاری آن بوده، با تکیه بر نیروی نظامی، بین المللی و آزاد اعلام بدارد.

امیدواریم در فرصت لازم به این بحث، بیشتر روشنی ببندازیم.

اداره پورتال AA-AA